

مقدمه

در فرهنگ اسلامی، خانواده مهم ترین نهاد اجتماعی است که در آن ارزش های اخلاقی، باورهای دینی و هنجارهای اجتماعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می یابد. از این رو، اسلام برای حفظ قداست و ارزشمندی خانواده برنامه ریزی های بسیار دارد و همه تلاش خود را مصروف می دارد تا خانواده برخوردار از استحکام و دوام لازم باشد. از مهم ترین برنامه هایی که اسلام برای حفظ قداست و استحکام خانواده در نظر گرفته عبارتند از: پاکسازی محیط خانواده و جامعه از آلودگی ها، تشویق نسل جوان به ازدواج، حفظ و رعایت اخلاق، روابط سالم و سازنده بین همسران و تربیت نسل پاک و صالح. این مقاله با تبیین مفهوم نوین خانواده در جامعه مدرن، درصدد است تأثیر فرهنگ غربی بر داشتن فرزند را باز شناسانده و با استفاده از آیات و روایات، جایگاه و نقش مثبت فرزند در استحکام و بهداشت روانی خانواده را بررسی کند.

نگرش منفی غرب درباره فرزند

1. افول ارزش انسان

از میان تغییرات صورت گرفته در دهه های اخیر جامعه غرب، احتمالاً تغییرات به عمل آمده در نهاد خانواده، استثنایی ترین آن ها بوده است. بر اثر تغییرات مهم در اوضاع اقتصادی، اجتماعی و پیدایش مفاهیم نوین راجع به آزادی خصوصی و تجدید نظر در خصوص عقاید مذهبی دیرین پیرامون توالد و تناسل، حجم خانواده به سرعت رو به نقصان گذاشته است. در جامعه غربی از تعداد کودکان مدام کاسته می شود. سیاست های کنترل جمعیت در کشورهای جهان سوم و از جمله کشورهای اسلامی نیز در دهه های اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته و به عنوان یک هنجار از سوی نهادهای دولتی تبلیغ شده است. در حال حاضر 85% از کشورهای در حال توسعه سیاست های تنظیم خانواده را رسماً پذیرفته، یا عملاً رویه هایی همگام با این سیاست ها اتخاذ کرده اند.

در دهه های اخیر گرایش به تنها زیستی (زندگی بدون فرزند) نیز در خانواده ها رواج یافته است. پژوهش ها نشان می دهد تعداد زوج هایی که بدون فرزند روزگار می گذرانند، در دهه های اخیر روندی فزاینده داشته است. خاستگاه این گرایش نیز فرهنگ غربی است. 1 امروزه در غرب فرزند پدیده منفی و مزاحم به حساب می آید و شگفت این که مردم به حیوانات بیشتر دل خوش کرده اند تا به فرزند. افراد دلایل مختلفی شاید برای این کارشان داشته باشند که ما در این جا درصدد بررسی و تحلیل آن نیستیم. آن چه برای ما مهم است و می خواهیم در این مقاله به آن اشاره کنیم آثار و پیامدهای منفی تنها زیستی؛ یعنی زندگی بدون فرزند است که همسران به طور ارادی از داشتن فرزند در سال های اول زندگی جلوگیری می کنند. 2

از نظر روان شناختی این پدیده بسیار خطرناک است و یکی از مشکلات جوامع غربی نیز همین موضوع می باشد. پژوهش ها نشان می دهد جلوگیری از داشتن فرزند باعث اختلال در کارکرد این خانواده ها شده و بسیاری از زن و شوهرهایی که بدون فرزند زندگی می کنند، از زندگی لذت نمی برند.

2. رفاه و پیشرفت زندگی مدرن

شکل غربی خانواده، همگام با پیشرفت تمدن مادی مدرن، گسترش عالمگیر یافته است. غرب گرایی موجب شده است که از نقش مثبت فرزندان کاسته شود و علاقه به داشتن فرزند که در فرهنگ سنتی و دینی موجب افزایش هم بستگی بود، از بین برود. تأثیر پذیری از فرهنگ غربی در ایران باعث شده که میانگین فرزندان هر خانوار 6 نفر در سال های دهه 1940 به سه نفر در سال 1375 کاهش یابد. در بعد ارزشی نیز تغییرات عمده ای در نگرش ایرانیان نسبت به این مسئله روی داده است. برخی نظرسنجی ها نشان داده اند که سه درصد از خانواده های ایرانی گرایش به بی فرزندی دارند. 3

تغییری که در نگرش به فرزند ایجاد شده، در واقع ناشی از این بینش خاص غربی است که اقتصاد و خوش گذرانی و زندگی مرفه را هدف نهایی می دانند.

پژوهش ها نشان می دهد که زنان و شوهران جوان عمدتاً به دلیل مشکلات اقتصادی و روحیه رفاه طلبی و خوش گذرانی، از داشتن فرزند امتناع می ورزند. 4

3. بزهکاری اجتماعی

برخی نیز به خاطر مشکلات تربیتی از داشتن فرزند امتناع می ورزند. بیماری ها، اختلالات روانی و بزهکاری های اجتماعی از دیگر عوامل رویگردانی والدین از داشتن فرزند است. وقتی دست اندرکاران بهداشت روانی آمارهای وحشتناک و روز افزون کودکان و نوجوانانی را که دارای مشکلات عجزآور روحی هستند، یا آن هایی را که قربانی اعتیاد می شوند یا دست به خودکشی می زنند، می بینند اظهار می کنند که همه این ها تقصیر پدر و مادرهاست. رهبران سیاسی و مأموران قانون هم پدر و مادرها را برای پرورش نسلی ناسپاس، عصیان گر، متعرض، هیپی و خرابکار سرزنش می کنند.

بنابراین، داشتن یک نوزاد و به عهده گرفتن مسئولیت کامل جسمی و روانی او و بزرگ کردنش به صورت انسانی کارآمد، هماهنگ با اجتماع و مسئول؛ باری بسیار بزرگ را به دوش والدین می گزارد. چیزی که اکثر والدین آمادگی آن را ندارند و در نتیجه از اصل داشتن فرزند صرف نظر می کنند. 5

جایگاه فرزند در فرهنگ اسلامی

اگر چه خودداری از داشتن فرزند گرایشی است که با تأثیر پذیری از فرهنگ غرب به وجود آمده، متأسفانه در جوامع اسلامی نیز طرفدارانی یافته است، اما با نگاهی به آموزه های دینی به طور قطع فرزندان می توانند تأثیرات مثبت و سازنده در زندگی والدین داشته باشند.

از نظر اسلام، فرزندان از ارکان مهم خانواده محسوب می شوند. در کلمات و سیره ائمه (علیهم السلام) نگرش مثبت نسبت به فرزند وجود دارد. در روایات از فرزند با تعبیری چون: میوه دل، نور دیده، مایه خوشبختی، کسی که انسان را یاری می کند، و نیز مایه ثواب و پاداش اخروی، و رحمت و غفران الهی یاد شده است. 6 از این رو در

روایات به فرزندآوری توصیه جدی شده است. 7

در برخی تعابیر آمده است که فرزند داشتن مایه خوشبختی خانواده است و از سعادت افراد این است که فرزند یا فرزندی داشته باشند که در اخلاق و رفتار و شکل ظاهری شبیه آن ها باشند. 8
از مجموع آیات و روایات استفاده می شود که فرزندان مواهب و نعمت های الهی برای والدینند. پدر و مادرها اگر به وظایف خود 9 در قبال آن ها به درستی عمل کنند می توانند از این نعمت های الهی هم چون سایر نعمت ها بهره مند شوند.

جنبه های مثبت فرزند از نظر روان شناسان

1. سازگاری اجتماعی - عاطفی

اغلب روان شناسان وجود فرزند در خانواده را به عنوان عامل اصلی در سازگاری اجتماعی - عاطفی در نظر می گیرند. 10 این دیدگاه بسیار گسترده است و تاریخچه طولانی دارد. دانشمندانی بودند که بر اهمیت فرزند در خانواده تأکید داشتند. سال ها بعد روان شناسان در خانواده درمانی ساخت نگر و سیستمی 11 به روابط خانوادگی و الگوهای تعاملی بین اعضای خانواده پرداخته و مفهوم «فرزند» 11 را در نظرات خود پیرامون خانواده وارد کردند. اخیراً روان شناسان بالینی و متخصصان بهداشت روانی به این نتیجه رسیده اند که وجود فرزند با عملکرد مناسب خانواده مرتبط است. 12

2. برترین احساس والدین

امروزه در وجوه مختلف پژوهش های مربوط به خانواده به نقش مثبت فرزند تأکید می شود. 13 از نظر لافکادیوهرن 14 پدر یا مادر بودن پر احساس ترین تجربه انسان است. هیچ کس تا وقتی بچه دار نشود و او را عاشقانه دوست نداشته باشد، نمی تواند معنای واقعی زندگی را درک کند. 15 بی فرزندی در خانواده ها یک فضای خالی را به وجود می آورد و باعث تضاد می شود. از این رو، روان شناسانی مانند ماکسول 16 و مونت گمری (1969) فیلد من 17 (1971) بات 18 (1971) و راسل 19 (1974) به آثار وجودی فرزندان در خانواده اشاره نموده و معتقدند فرزندان می توانند تأثیرات مثبت و سازنده در زندگی والدین داشته باشند. 20

3. افق های تازه

پژوهش های بعدی که عمدتاً از سوی متخصصان بهداشت روانی و روان شناسان خانواده انجام شده، به عقاید مربوط به نقش مثبت فرزند در خانواده، اعتبار تازه ای بخشیده است. پژوهش ها نشان داد که فرزندان با تولد خویش افق های تازه ای را پیش روی والدین خود قرار می دهند و موجبات رشد و تعالی در زندگی خانوادگی را فراهم می آورند.

نقش فرزند در تحکیم بهداشت روانی خانواده

تحقیقات انجام شده در زمینه نقش فرزند در تحکیم و بهداشت روانی خانواده را در چند محور می توان طبقه بندی کرد:

1. اندیشه فرزندآوری و سلامت روانی خانواده

ماکسول و مونت گمری (1969) در بررسی های خود نشان دادند که اندیشه فرزندآوری تا چه اندازه در ایجاد آرامش و تحکیم و کارآمدی خانواده مؤثر است. 21

درخواست نسل پاک از خداوند نماد دینی اندیشه فرزندآوری است. قرآن در وصف مؤمنان می گوید: «آن ها کسانی هستند که در مناجات خویش با پروردگارشان می گویند: از همسران ما مایه های نور و روشنایی چشم قرار ده» 22 در دعای زفاف در عروسی نیز آمد است: «خداوندا! از این وصلت و پیوند فرزند عطا فرما که سالم و پاک و باهوش باشد. 23

اندیشه فرزندآوری یکی از نشانه های سلامت روانی خانواده محسوب می شود؛ از این رو در روایات به ازدواج با افرادی که توان فرزندآوری را دارند توصیه شده است. بعید نیست که نکوهش «عزل» و جلوگیری از حاملگی نیز به نحوی با تقویت اندیشه فرزندآوری 24 در ارتباط باشد.

2. آمادگی برای پدر یا مادر شدن

بسیاری از پژوهش هایی که به بررسی نقش فرزند در تحکیم و بهداشت روانی خانواده پرداخته اند، افکار، هیجانات و روابط عاطفی با جنین در طول دوره بارداری را به عنوان یکی از عوامل مهم در نظر گرفته اند. نتایج پژوهش های متعدد نشان می دهد که ابراز هیجان والدین در دوران بارداری به عنوان یکی از متغیرهای مهم با بهداشت روانی و کیفیت روابط همسران ارتباط دارد.

3. لذت پدر و مادر شدن

از نظر زیست شناسی زندگی از هنگام انعقاد نطفه و بارداری شروع می شود. تولد را در واقع می توان به عنوان یک مرحله از رشد دانست که کودک از رحم مادر به محیط بازتر دنیای خارج قدم می نهد. از زمان تولد، کودکان منبع لذت و شادی در خانواده هستند. بنابراین، فرزندان نه تنها شالوده زندگی زناشویی را استحکام می بخشند، بلکه عامل مؤثری در لذت بردن پدر و مادر شده و با افزایش این لذت ها سلامت و بهداشت روانی همسران نیز تأمین می شود. مایکل آرگیل (2001) کودکان را منبع فواید زیادی برای خانواده دانسته و می گوید: با وجود فرزند لذت زیادی در خانواده وجود دارد. بیشتر والدین، محرک شادی را به عنوان یک مزیت از کودکان شان دریافت می کنند. 25

تولد نوزاد و انتقال او از بیمارستان به خانه یکی از بهترین و دوست داشتنی ترین لحظاتی است که می توان در خانواده از آن صحبت نمود. پژوهشی که توسط راسل 26 (1974) انجام شد، مؤید نشاط و سرور و شادمانی هایی است که با تولد فرزندان و ورود به عرصه خانواده برای والدین به ارمغان می آورند. گذراندن وقت با کودک دلبنده و بازی کردن با او یکی از مزیت هایی است که والدین از کودکان شان دریافت می کنند. در تحقیقاتی که توسط فیلدمن (1971) بر روی پدر و مادران جوانی که برای اولین بار صاحب فرزند شده اند 27 انجام شده، نشان می دهد که لذت پدر و مادر شدن و احساس شادی و نشاط از بودن با فرزند تا چه اندازه در ایجاد آرامش و آسایش زندگی زناشویی مؤثر است. 28

فرزند صفا و صمیمیت خاصی به خانواده می بخشد و چون محبوب پدر و مادر است، هر دو به او دل بسته می

شوند. در مطالعه رفتار دلبستگی، پژوهشگران اغلب به رابطه بین مادر و کودک اشاره می کنند. کردارشناسی افراطی نمونه بارز نیرومندترین مفهوم دیدگاه سنتی از دلبستگی است. با این وجود، برخی از پژوهشگران این نظریه را مطرح کرده اند که مفهوم دلبستگی رابطه والدین با فرزند را نیز در بر می گیرد. از این منظر، دلبستگی را می توان به عنوان یک رابطه فعال، عمیق و پایدار عاطفی تعریف کرد که بین دو فرد به وجود می آید. برخی مؤلفان برای اشاره به رابطه عاطفی مادر با کودک اصطلاح «پیوستگی»²⁹ و برای ارتباط عاطفی پدر با فرزند واژه «شیفتگی»³⁰ را به کار برده اند.

این مسائل به سلامت و بهداشت روانی والدین کمک می کند. سیره عملی و احادیث پیشوایان معصوم (ع) نیز حاکی از اهمیت هم بازی شدن با کودک و شور و نشاط حاصل از آن است. پیامبر (ص)، فرزندش ابراهیم، حسن، حسین و فاطمه را در کودکی بر دامن خود می نشاند، به سینه خود می چسباند و می بوسید.³¹ علی (ع) نیز دلبستگی خاصی به فرزندان خود داشت. حضرت فاطمه (س)، با شعر خواندن برای فرزندان خود، به آنان اظهار علاقه می کرد.³² سیره عملی دیگر معصومان نیز نشان دهنده الگوهایی از دلبستگی سالم به فرزندان است.³³

روان شناسان معتقدند دلبستگی متقابل والدین و فرزندان از ضروریات اولیه اجتماعی شدن به شمار می رود. این گونه دلبستگی برای موفقیت والدین در اجرای وظایف رشدی خانواده و بهداشت روانی آنان ضروری است. فرزندان عنصر بنیادین خوشبختی زناشویی محسوب می شوند.³⁴

4. عشق به زندگی و تداوم حیات خانواده

وقتی که به بررسی علل طلاق ها می پردازیم، یکی از علل بارز آن را نداشتن فرزند می یابیم. هر چند که ممکن است زوجین خود تصمیم به نداشتن فرزند گرفته باشند، و یا به دلیل وجود مشکلات ژنتیک و یا بیماری هایی که منجر به عدم باروری شده است، توان تولید نسل را نداشته باشند. به هر حال یافته های تحقیقاتی و مشاهدات بالینی حکایت از آن دارد که عدم حضور فرزند در محیط خانواده، یکی از عوامل ناپایداری در زندگی مشترک است. بی فرزندی در خانواده ها یک فضای خالی را به وجود می آورد و باعث تضاد و بی علاقه به زندگی مشترک می شود. تحقیقات انجام شده در ایران نیز نشان می دهد که خانواده های بی فرزند بیش از هر نوع خانواده دیگر در معرض گسست قرار دارند.³⁵

امروزه با توجه به نقش مثبت فرزند در استحکام و تداوم حیات خانواده، تصمیم به داشتن فرزند در برخی از فرهنگ ها رو به افزایش گزارد شده است و حتی برخی از خانواده های بی فرزند اقدام به پذیرفتن فرزند خوانده می کنند. «پدر یا مادر خوانده اینترنتی» اصطلاحی است که در سال های اخیر رواج یافته و برخی از پژوهش ها نشان داده است زنان و مردانی که ارتباط دائم و منظمی با فرزند خوانده های شان از طریق پست الکترونیکی دارند، از شادابی و نشاط و سلامت روانی بیشتری برخوردارند.³⁶

پی نوشت ها :

1. رک: بستان، حسین، اسلام و جامعه شناسی خانواده، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، 1383، ص 70-71
2. پتر و رسل، جامعه شناسی مدرن، ترجمه: حسن پویان، انتشارات چاپخش، ج 1، 1373، ص 231-246.

3. رک: احمدی، نوشین و همکاران، فصل زنان، مجموعه آراء و دیدگاه های فمینیستی، انتشارات روشنگران و مطالعات زنان، ج 4، 1381، ص 104 - 89.
4. فصلنامه شیعه شناسی، سال سوم، 1384، شماره 11، ص 101.
5. مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت ها و ریکردها، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ج 2، ص 663.
6. تنفر از فرزند به خاطر مشکلات تربیتی، اختصاص به زمان ما ندارد. بلکه ریشه های آن به زمان های بسیار دور بر می گردد. حتی در زمان ائمه (علیهم السلام) نیز این گرایش وجود داشته است. در یکی از روایات از بکر ابن صالح نقل شده است که: کتبت الی ابی الحسن انی اجتنبت طلب الولد منذ خمس ستین و ذلک ان اهلی کرمت ذلک و قالت انه یشدد علی تربیتهم لقلة الشیء. فما تري؟ فکتب الی: اطلب الولد فان الله عزوجل یرزقهم (الکافی، ج 6، ص 4).
7. قال رسول الله: انهم ثمرة القلوب و قرة الاعین (کنز العمال، ج 16، ص 284).
8. سعد امر، لم یمت حتی یری خلفا من نفسه (وسائل الشیعه، آل البيت، ج 21، 356)؛ ان الله اذا اراد 8. بعبد خیراً، لم یمته حتی یریه الخلف (همان).
9. وسائل الشیعه، ج 21، ص 355.
10. اسپادک، برنارد، آموزش در دوران کودکی، ترجمه نظری نژاد، انتشارات آستان قدس رضوی، ج 5، ص 40-51؛ مونته سوری، ماریا، کودک در خانواده، ترجمه خواجه وند، انتشارات پلیکان، 1374.
11. Structural family therapy
12. Systematic family therapy
13. دیویس، کنث، خانواده، ترجمه فرشاد بهادری، تهران، تزکیه، 1382؛ جونز، الزا، درمان سیستم های خانواده، ترجمه فرزین رضاعی، انتشارات ارجمند، 1378؛ به یر، چری، تعامل والدین و کودکان، ترجمه دهگانپور و خرازچی، رشد، 13277، ص 127 - 145.
14. Lafcadio Hearn 19
15. کانفیلد، جک، غذای روح برای والدین، ترجمه بردباری و چینی، نشر پیکان، 1381، ص 11.
16. Maxwell and Montgomery
17. Feldman
18. Bott
19. Russle
20. 1991 . newwyork ,Barrons ,keys to becoming a father . sears w -
21. Family . Social Pressure tward early parenthood . E . J ,Maxwell,J. w and Montgomery . Vol;18;p;340-344 ,1969 ,Coordinator
22. فرقان، 24.
23. اللهم ارزقنی ولدا و اجعله تقیا زکیا لیس فی خلقه زیادة و لا نقصان و اجعل عاقبته الی الخیر (مکارم الاخلاق، ص 239)؛ قال ابو عبدالله: «اذا تزوج احدکم کیف یصنع؟ قال: قلت له: ما ادری جعلت فداک، قال: فاذا هم بذلک فلیصل رکعتین و یحمد الله و یقول: اللهم انی ارید ان اتزوج، اللهم فاقدر لی من النساء اعفهن فرجا و احفظن لی

فی نفسها و فی مالی، و اوسعهن رزقا و اعظمهن برکة، و اقدر لی منها ولدا طیباً تجعله خلفاً صالحاً فی حیاتی و بعد موتی (وسائل الشیعة، ج 20، ص 113)؛ و قال علی ابن الحسین (ع) لبعض اصحابه: قل فی طلب الولد: رب لا تذرنی فرداً و انت خیر الوارثین، و اجعل لی من لدنک ولیاً یرثنی فی حیاتی و یرثنی لی بعد حیاتی، و اجعله خلفاً سویاً و لا تجعل للشیطان فیه نصیباً (همان، ج 21، ص 370).

24. تزوجوا بکراً ولوداً و لا تزوجوا حسناً، عاقراً (الکافی، ج 5، ص 333).

25. P:82 ,Francis Group Routledge Taylor and ,The Psychology of Happiness . M , -Argyle,2001

26. ,1974 ,Journal of Marriage and the family . Transittion to parenthood . C ,Russell
294-302ص

Brill . E. G ;Leiden . The effects of children on the family . H ,Feldman - . 1971, 125-104; 27

28. ;385 ,2000 ,psychology press ,Psychology a student,s Shand book . Eysenck,M -39

29. Bonding

30. engrossment 41

31. عن ابن عباس قال: دخلت عایشه علی رسول الله (صلی الله علیه و آله) و هو یقبل فاطمه، فقالت له: اتحبها یا رسول الله؟ قال اما و الله لو علمت حبی لها لازدادت لها حباً (بحار الانوار، ج 43، ص 5)؛ عن ابی جعفر عن ابیه عن جده الحسین (علیه السلام) قال دخلت انا و اخی علی جدی رسول الله (صلی الله علیه و آله) فاجلسنی علی فخذہ الایسر و اجلس اخی الحسن علی فخذہ الایمن ثم قبلنا (همان، ج 36، ص 255).

32. مستدرک الوسائل، ج 15، ص 171.

33. و کان فاطمة ترقص ابنها حسناً (علیه السلام) و تقول: اشبه اباک یا حسن و اخلع عن الحق رسن - و اعبد إلهاً ذا منن و لا توال ذا الاحن - و قالت للحسین: انت شبیه بابی لست شبیهها بعلی (بحار الانوار، ج 42، ص 285).

34. وسائل الشیعة، ج 15، ص 557؛ ابن ابی الدنيا، کتاب العیال، دمشق، دار ابن القیم، ج 1، ص 315.

35. August ,American sociological Review . Is childlessness Related to Family stability .
Monahan 48 p;446-456 ,1955

36. ساروخانی، باقر، طلاق پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، دانشگاه تهران، 1376، ص 67-71.